

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران

سال یکم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴

مهرنرسه^۱

تورج دریایی^۲

ترجمه مرضیه بهزادی^۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۶

مهرنرسه، وُزرگ فرمذار (وزیر اعظم) شاهنشاهی ساسانی در دوره پادشاهی چندین شاه از جمله یزدگرد یکم (۴۲۱-۳۹۹ پ.م)، بهرام پنجم (۳۹-۴۲۱ پ.م)، یزدگرد دوم (۵۷-۴۳۹ پ.م) و پیروز (۸۴-۴۵۹) بوده است.

مهرنرسه در سده چهارم پیش از میلاد در قریه ابروان در روستای دشت بارین در اردشیر خوره در جنوب پارس به دنیا آمد.^۴ او نیز همچون اردشیر بابکان، بنیان‌گذار دودمان ساسانیان، نسب خود را به ویشتاسب، شاه کیانیان می‌رساند؛ با این تفاوت برجسته که به کی اشک، شاه اشکانی نیز به‌عنوان بخشی از دودمان خود اشاره می‌کند.^۵ در منابع عربی، نام پدرش «برازه» ذکر شده که احتمالاً مالک سرزمینی بوده که مهرنرسه و دیگر فرزندان او در آن زاده شده و می‌زیستند. مهرنرسه توانسته بود بلندپایه‌ترین مقام در سلسله مراتب اداری شاهنشاهی ساسانی در سده پنجم میلادی، یعنی مقام وزرگ فرمذار را به دست آورد. در متن فارسی میانه سور سنخ در دربار شاهی، رتبه و جایگاه وزرگ فرمذار، فقط از شاهنشاه و شاهزاده ولیعهد پایین‌تر است، در حالی که سپاهبد (فرمانده ارشد نظامی)، شهردادور (قاضی شاهی)، مغان اندرزبد (رئیس شورای روحانیون زرتشتی)، هزاربد (فرمانده هزار سرباز) و درون‌یاز (برگزارکننده مراسم درون)، همگی در مرتبه پایین‌تری از وی قرار دارند.^۶ هنگامی که بهرام پنجم (بهرام گور) در شرق ایران درگیر جنگ بود، مهرنرسه را به نیابت از خود گماشت و وی با عنوان وزرگ فرمذار، عهده‌دار کارهای شاهنشاهی شد. با این همه، او نخستین کسی نبود که به چنین

^۱ این مقاله، ترجمه‌ایست از:

Daryaei, Touraj. Mhr-Narseh, *Encyclopaedia Iranica*, online edition, 2012, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/mehr-narseh> (accessed on 16 August 2013).

^۲ استاد تاریخ ایران دانشگاه کالیفرنیا، ارواین tdaryaei@uci.edu

^۳ کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان از دانشگاه شهید چمران Marziehbehzadi@yahoo.com

4. abari, I, p. 870, tr., p. 105.

5. abari, I, p. 869; tr., p. 104.

6. Daryaei, pp. 66-67.

جایگاهی گماشته می‌شد. از جمله کسانی که پیش از او چنین عنوانی داشتند، آبرسام بود. در دوره اردشیر یکم از وی به‌عنوان وزرگ فرمذار یاد شده است^۱ که به‌نظر می‌رسد بی‌مورد باشد.^۲ اما به احتمال زیاد، خسرو یزدگرد که در هنگام پادشاهی یزدگرد یکم (۴۲۱-۳۹۹ میلادی) در شورای کلیسایی ۴۱۰ از او یاد شده،^۳ وجود داشته‌اند. جایگاه و سمت وزیر، از اوایل سده سوم میلادی در سنگ‌نوشته‌های شاپور یکم بر کعبه زرتشت و نقش رستم در فارس ظاهر شده است.

مهرنرسه سه پسر داشت^۴ به‌نام‌های زروانداد، که «رهبر روحانیون» یا «هیربدان هیربد» شد؛ کاردار که «فرمانده نظامیان»، دومین طبقه جامعه ساسانی شد و ماه‌گشنسپ که «رئیس کشاورزان»، سومین طبقه جامعه ساسانی شد. این امر احتمالاً نشان می‌دهد که مهرنرسه با انتصاب هریک از پسرانش بر رأس هرکدام از طبقات، اقدام به سازماندهی دوباره و سامان بخشیدن به سیستم طبقاتی ساسانی کرد.^۵

زندگی مذهبی مهرنرسه

نام نخستین پسر مهرنرسه، زروانداد، از این روی مهم است که در آن اشاراتی محتمل درباره گرایش‌های زروانی در ایران سده پنجم میلادی وجود دارد. رابرت چارلز زرن نشان داد که در سده پنجم میلادی، به‌ویژه در دوران سلطنت یزدگرد دوم، زروان‌گرایی دست‌بالا را داشت.^۶ باور و اعتقاد مهرنرسه به آئین زروانی توسط شواهدی از منابع ارمنی نیز تأیید می‌شود؛ در فرمانی که می‌گوید باید دین زرتشتی در ارمنستان مذهب رسمی شود. اما در عوض، در این فرمان خطاب به ارمنیان، آموزه‌ای روشن از آئین زروانی را ارائه می‌کند که اشاره گذرای قابل توجهی به گرایش زروانی وی وجود دارد.^۷ افزون بر این، طبری^۸ می‌گوید که مهرنرسه به‌عنوان بخشی از سیاست‌های سودمند خود، سه باغ ایجاد کرد و در هریک از آن‌ها ۱۲،۰۰۰ درخت کاشت (پایین را بنگرید). قابل توجه است که عدد ۱۲،۰۰۰ به‌عنوان زمان اختصاص داده شده برای آفرینش جهان از آغاز تا پایان، با آموزه‌های زروانی در ارتباط است.^۹ در دوره پادشاهی پیروز، هنگامی که به‌نظر می‌رسد از زروانی‌گرایی پرهیز می‌شد، مهرنرسه به ارتکاب گناه متهم شده بود اما او از جایگاهش عزل نشد (پایین را بنگرید). همچنین، در وندیداد^{۱۰} از

1. abari, I, p. 816; tr., p. 9.

2. Khurshudian, 1998, p. 89.

3. Chabot, p. 260; Frye, p. 319.

4. abari, I, p. 870; tr., p. 105.

5. Zaehner, p. 125; Perikhanian, in *Madiyān*, p. 633.

6. Zaehner, p. 47.

7. E i , p. 78.

8. I, pp. 870-71; tr., p. 105.

9. Wikander, p. 177.

10. IV.49.

زُروانداد/زُروانداد همراه با مزدک به‌عنوان گناهکار بزرگ یادشده، که ممکن است اشاره‌ای به پسر مهرنرسه باشد؛ در همان‌جا از وی به‌عنوان کسی که در عین داشتن اقتدار، گناهکار و ویرانگر نیز بود و آفریننده جهان مادی، اهورامزدا، را به چالش می‌کشید، یاد شده‌است:^۱

(ēd-iz kē ō mardōm druwand ī sāsātār kamāl zadār pahikārēd [čiyōn zarvāndād uš pahikār abāg astwandād])

در کتاب قانون ساسانی، مادیان هزار دادستان، مهرنرسه به ارتکاب گناه متهم شده اما ماهیت این قانون‌شکنی مشخص نشده‌است. در نتیجه این گناه، او خادم آتشکده شد:

"ōy bay wahrām šāhān šāh yazdgirdān mihr-narseh ī wuzurg-framādār pad bandagih ō ātaxš ī ardwhišud ud ātaxš ī abzōn-ardaxšir dād"

«خداوندگار، بهرام، شاه شاهان، فرزند یزدگرد، مهرنرسه، وزرگ فرمذار را به‌بندگی به آتشکده آردوهِیشت و آتشکده ابزون اردخشیر فرستاد.»^۲ او، همراه با همسرش به‌مدت چندین سال در طول سلطنت بهرام پنجم تا برتخت‌نشینی یزدگرد دوم در آنجا ماند. پس از آن، مهرنرسه به‌مدت چند سال دیگر به استان فرستاده شد تا برای کفاره گناهش، مجازات دیگری را تحمل کند.^۳ با این حال، منصور شکی عقیده دارد که آنچه روی داد، این بود که مهرنرسه در دوره فرمانروایی یزدگرد دوم از درآمدهای مذهبی‌اش محروم شد اما منصبش را حفظ کرده بود.^۴ دیدگاهی تأییدشده بر مبنای داده‌های تاریخی‌ست. — اما سپس، در دوران فرمانروایی پیروز و تحت نظارت مَرَدَبود، موبد موبدان وقت و دیگر مقامات، به آتشکده دیگری به‌نام اورمزد-پیروز فرستاده شد.^۵

بر پایه کتاب مادیان هزار دادستان^۶، مهرنرسه و همسرش سپس در آتشکده به‌عنوان «بنده آدوروخش» خدمت کردند. این بدان معناست که او به‌همراه همسر، فرزندان و بردگانش، از آتش درون آتشکده پاسداری می‌کردند.^۷ از این رو باید خدمت مهرنرسه را نه از روی خدمت معمول (بندگی)، بلکه با دارا بودن همه حقوق و اختیارات تام در نظر گرفت. او همچنین دارای لقب «هزاربندگ» (به معنای «دارای هزار بنده») بود، اما بندگی خود او در این آتشکده‌ها رنگ و بویی مذهبی داشت و در راستای پاک کردنش از گناهی بود که به خاطر آن، خود و خانواده‌اش خطاکار تشخیص داده شده بودند.^۸

1. Jamasp, p. 134.

2. *MHD* A39.11-13.

3. Perikhanian, pp. 641-42.

4. Shaki, p. 99.

5. *MHD* A39.14-17; Perikhanian, pp. 641-42.

6. A40.3-4.

7. Perikhanian, in *MHD*, p. 329; idem, 1983, p. 641.

8. Perikhanian, p. 635.

مهرنرسه، وزرگ فرمذار

دو موضوع در زندگی حرفه‌ای مهرنرسه به‌عنوان وزرگ فرمذار برجسته است: سیاست‌های داخلی وی و مذاکراتش به‌عنوان نماینده شاهنشاهی ساسانی با امپراتوری روم و سیاست او نسبت به ارمنستان و مسیحیان آن سرزمین.

مهرنرسه برای هوشمندی و اعتبارش به‌عنوان گماشته مورد اعتماد و قائم‌مقام سلطنت در زمان پادشاهی بهرام پنجم، مورد تمجید قرار گرفته است.^۱ شاید هنگامی که شاه به مرزهای حاشیه‌ای شاهنشاهی ساسانیان لشکرکشی کرد، او یکی از نخستین مقامات قابل اعتماد بود که وظیفه‌ای بیش از آنچه ولیعهد داشت را برعهده گرفت. او احتمالاً توسط یزدگرد یکم به مقام وزرگ فرمذار منصوب شد. هنگامی که مسیحیان به آتشکده‌های زرتشتی بی‌حرمتی کردند، آزار و اذیت مسیحیان در شاهنشاهی ساسانی گسترش یافت و این رویدادها ممکن است با انتصاب مهرنرسه هم‌زمان بوده باشد.^۲ حکمت وی، آداب به‌غایت نیکویش و دانشش، با نگاه اهانت‌آمیز یزدگرد یکم نسبت به نجیبان و بزرگمردان و خون‌ریزی‌ها و شیوه ستمکارانه‌اش در تضاد بود.^۳ افزون بر این، مهرنرسه در طول مذاکرات با رومی‌ها در دوران پادشاهی بهرام پنجم که به پیمان صلح سال ۴۲۲ میلادی انجامید، نقشی فعال داشته است. براساس این پیمان، آزار و اذیت مسیحیان در شاهنشاهی ساسانی و زرتشتیان در امپراتوری روم، به پایان رسید.^۴ به نظر می‌رسد که در شاهنامه فردوسی، بین برادر بهرام و مهرنرسه، به دلیل آنکه نام مشابهی داشتند، سردرگمی وجود دارد. اما بسیاری از کارهای نسبت داده شده به برادر بهرام، به‌عنوان فرمانروای خراسان، به حوزه وظایف وزرگ فرمذار تعلق دارد.^۵

در منابع رومی، به‌جز سقراط شولاستیکوس^۶ با نام مهرنرسه روبه‌رو نمی‌شویم. شولاستیکوس به «نرسه» اشاره می‌کند، اما او بیش‌تر وظیفه‌ای نظامی نزدیک به پنددهنده و مشاور شاه ایران را دارد.^۷ وظیفه مهرنرسه با توصیف طبری از وزرگ فرمذار شرح داده شده است: کسی که مردمان و ارتش را برای رویارویی با رومی‌ها، رهبری می‌کند.^۸ در منابع رومی درباره برنامه‌های ساسانیان (نرسه؟) علیه اردابوریوس، فرمانده عالی نظامی که به سرزمین‌های ایرانی حمله کرده بود، بحث شده است.^۹ بر پایه

1. abari, I, pp. 866-67; tr., p. 100.

2. Gyselen, p. 11.

3. abari, I, pp. 848-49; tr., pp. 72-73.

4. Dignas and Winter, pp. 136-38; Greatrex and Lieu, pp. 42-43.

5. Ferdowsi, pp. 524-94.

6. VII.18.

7. Greatrex and Lieu, p. 39.

8. abari, I/2, p. 868; tr., V, p. 103.

9. Greatrex, p. 2.

منابع ساسانی، در دوران پادشاهی یزدگرد دوم، پس از آغاز دوباره جنگ به دلیل آنکه رومی‌ها از پرداخت کمک‌هزینه سالانه برای نگهداری گذرگاه دربند خودداری کرده بودند، مهرنرسه برای انجام مذاکرات فرستاده شد. به نظر می‌رسد که به دلیل فشارهای تازه هپتالیان از سوی شرق که پادشاهان ساسانی را در سده پنجم میلادی به خود مشغول کرده بودند، یزدگرد دوم سکونتگاه خود را به مدت چند سال به خراسان انتقال داد و در این مدت، مهرنرسه عهده‌دار کارهای شاهنشاهی بود.^۱ نفوذ روم و مسئله مسیحیت در ارمنستان، درگیری‌های بیشتری را میان ساسانیان و ارمنی‌ها به وجود می‌آورد. دو منبع معاصر ارمنی، الیشه و لازار فارابی به این رویدادها و نام مهرنرسه به عنوان آتش افروز آزار و شکنجه ارمنی‌ها توجه کرده‌اند. آن‌ها در کنار لقب معمول وُزُرک هر متر^۲ که در ارمنی همانند هزاربد است به او اشاره می‌کنند که معمولاً با لقب اصلی خویش، وزرگ فرمذار برابر است.^۳ برای شرح سیاست مهرنرسه نسبت به ارمنستان، به طور عمده با منابع ارمنی روبه‌رو هستیم که تصویری منفی از او ارائه می‌دهند. او با لقب‌هایی همچون «پیرمرد تلخ»، «مار»^۴ و «شیطانی»^۵ نامیده می‌شود. دلیل این امر این بود که مهرنرسه خود به شخصه در جایگاه فرمانروای ارمنستان جایگزین شده بود و لقب فرمانروایی را گرفت و توانست کنترل ارمنستان را با کمک موبد موبدان و ورزلان، شاهزاده سوانی در دست گیرد. دوم آنکه به این ترتیب زرتشتی‌گری «زروانی»، که در متن‌های ارمنی از آن با نام «دین فاسد» نام می‌برند، در سال ۴۳۹ میلادی بر ارمنستان تحمیل شد.^۶ ارمنیان به رهبری اسپرپت وارتان مامیگونیان، علیه چنین سیاست‌هایی شوریدند و نبرد آوارایر در ۲ ژوئن ۴۵۱ میلادی شکل گرفت؛ نبردی که در آن، ارمنیان بسیاری جان خود را از دست دادند. خاطره این رویداد در طول تاریخ توسط مردم ارمنی زنده نگاه داشته شده است.^۸

فقط ابوعلی بلعمی است که گزارشی از پایان زندگی مهرنرسه را ارائه می‌دهد. در حالی که طبری، حکایت مهرنرسه را با ذکر این گزارش که او در دوره فرمانروایی پیروز برای مذاکره با رومی‌ها فرستاده شد، به پایان می‌برد.^۹ بلعمی به اشتباه — کاملاً برخلاف طبری — اظهار می‌کند که مهرنرسه در طی فرمانروایی بهرام پنجم، احساس پیری کرد و مایل بود تا بازنشست شود و بتواند به مسائل دینی پردازد و

1. Frye, p. 146.

2. vzurk hramatar

3. Chaumont, pp. 147-57.

4. tsern darnats eal

5. vishap

6. dzakho

7. Russell, p. 136.

8. Garsolan, in *MHD*, pp. 98-99.

9. abari, I, p. 872; tr., p. 108.

به زندگی پس از مرگ بیندیشد. بهرام به او اجازه داد که به زادگاه خویش در اردشیر خوره بازگردد و باقی عمرش را در آنجا سپری کند.^۱ این داستان یا در دوران فرمانروایی پیروز شکل گرفته یا به منظور پدید آوردن راهی برای گریز مهرنرسه از روایت، استفاده شده است؛ همچنین می‌تواند نمایانگر چرایی کاسته شدن از رتبه او به دلیل گناه نسبت داده شده به او باشد.

امروزه دو مهر از مهرنرسه باقی مانده که تصویر او و لقب وزرگ فرمذار را به ما نشان می‌دهند.^۲ او همراه با کلاه، نشان رسمی و نوار روبان نوعی از اشراف و مقامات شاهنشاهی ساسانی به تصویر کشیده شده است. نوشته روی مهر به صورت *mtrnrs[hy] ZY LB' plmt' r* «مهرنرسه، وزرگ فرمذار» خوانده می‌شود.

کارهای ساختمانی مهرنرسه

به گفته طبری،^۳ مهرنرسه چهار آتشکده در نزدیکی زادگاهش ساخت و سه باغ بزرگ بنا کرد که در یکی از آن‌ها ۱۲،۰۰۰ درخت خرما، در دیگری ۱۲،۰۰۰ درخت زیتون و در سومی، ۱۲،۰۰۰ درخت سرو کاشت که تا دوره پس از ساسانیان نیز وضعیت خوبی داشتند و به دست اعقاب او نگهداری می‌شدند. او چهار روستا را بنیان نهاد و در درون هریک از آن‌ها برای آمرزیدگی روان خویش و سه پسرش، آتشکده‌ای برقرار کرد و آن‌ها را «فراز مرا آور خدایا» (برای خودش)، «زرواندادان»، «کاردادان» و «ماهگشسپان» نام نهاد. افزون بر این، در دشت برین نیز ساختمان‌هایی بنا کرد و آتشکده‌ای دیگر برای خویش ساخت که مهرنرسیان نامیده می‌شد.^۴ این آتشکده ممکن است یکی از آتشکده‌هایی باشد که در سده دهم توسط استخری ذکر شده بود و می‌گفت که مردم آن را بارین می‌نامند و بر عمارت آن سنگ‌نوشته‌ای وجود دارد که اشاره می‌کند برای ساخت این آتشکده، ۳۰،۰۰۰ درهم هزینه شده است.^۵

پل و سنگ‌نشته مهرنرسه

مهرنرسه بر روی رودخانه تنگ‌آب در استان فارس، پلی ساخت. این پل در پنج کیلومتری قلعه دختر، بر جاده اصلی منتهی به شمال شهر گور که امروزه فیروزآباد نامیده می‌شود و در کنار سنگ‌نگاره اردشیر یکم که در آن، مراسم اعطای نشان پادشاهی به او نقش شده است، قرار دارد.^۶ هدف از ساخت این پل،

1. Bal ami, I, p. 654.

2. Gyselen, p. 12.

3. I, pp. 870-71; tr., p. 105.

4. abari, I, p. 870; tr., p. 105; Vanden Berghe, pp. 187-91; Mo afawi, pp. 112-14.

5. E a ri, p. 118; tr., p. 105; Ebn awqal, p. 189.

6. Mo afawi, pp. 99-100

متصل کردن دو جاده اصلی منتهی به شهر گور بود که بهترین نمونه تاریخ‌دار از سنگ‌تراشی ساسانیان در سده پنجم میلادی است.^۱ در کنار پل، سنگ‌نوشته‌ای مهم از مهرنرسه وجود دارد. علاوه بر کرتیر، روحانی زرتشتی سده سوم، شاپور سگان‌شاه و سلوک در سده چهارم، تنها بزرگ‌زاده‌ای که در دوره ساسانیان توانست از خود سنگ‌نوشته برجای بگذارد، مهرنرسه بود. این سنگ‌نوشته درباره دین‌داری و فعالیت‌های دینی مهرنرسه دارای اطلاعات مفیدی است که توسط طبری و دیگر تاریخ‌نگاران عرب و ایرانی نیز تأیید می‌شود.^۲ محتوای سنگ‌نوشته چنین است: «این پل به‌دستور مهرنرسه، وزرگ فرمذار، برای شادی روان خویش و با هزینه خویش ساخته شد. هر که به این راه بیاید، مهرنرسه و فرزندانش را دعا کند زیرا که او این گذرگاه را در این جا بنا نهاد. با کمک و لطف خداوند، نادرستی و فریب در آن جا نخواهد بود».^۳ این فعالیت‌های ساختمانی و کشاورزی مهرنرسه از جمله کارهای دینی او به‌خاطر آمرزیدگی روان خویش و خانواده‌اش بوده است.^۴



1 Bier, p. 263

2 E i , pp. 77-78; abari, I/2, p. 870; tr., V, p. 105

3 Henning, 1954, p. 101; idem, 1977, p. 434; Back, p. 498

4 Boyce, pp. 282-83

منابع و مأخذ

- Michael Back, *Die sassanidischen Staatsinschriften: Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften, zusammen mit einem etymologischen Index des mittelpersischen Wortgutes und einem Textcorpus der behandelten Inschriften*, Acta Iranica 18, Leiden, 1978.
- Abu Ali Mo ammad Bal mi (attrib.), *Tāri -nāma-ye bari: Gerdāvārda-ye mansub ba Bal mi*, ed. Mo ammad Row na, 2 vols., Tehran, 1995.
- L. Bier, Notes on Mihr Narseh's Bridge Near Firuzabad, *Archäologische Mitteilungen aus Iran* 19, 1986, pp. 263-68.
- Mary Boyce, The Pious Foundations of the Zoroastrians, *BSOAS* 31, 1968, pp. 270-89.
- Jean B. Chabot, ed. and tr., *Synodicon Orientale: ou recueil de synodes nestoriens*, Paris, 1902.
- Marie Louise Chaumont, Chirque et curopalate à la cour des Sassanides, *Iranica Antiqua* 10, 1973, pp. 139-65.
- Arthur Christensen, *L'Iran sous les Sassanides*, 2nd ed., Copenhagen, 1944; tr. ol m-Re Ra id Ysami as *Irān dar zamān-e Sāsāniān*, Tehran, 1963.
- Touraj Daryaee, The Middle Persian Text *Sūr ī Saxwan* and the Late Sasanian Court, in Rika Gyselen, ed., *Des Indo-Grecs aux Sassanides: données pour l'histoire et la géographie historique*, Res Orientales XVII, Leuven, 2006, pp. 65-72.
- Jean P. de Menasce, *Feux et fondations pieuses dans le droit sassanide*, Paris, 1964.
- Beate Dignas and Engelbert Winter, *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbours and Rivals*, Cambridge, 2007.
- E i (Elisaeus), *Elišē vasan vārdanay ew Hayoc Paterazmin*, tr. Robert W. Thomson as *History of Vardan and the Armenian War*, London, 1982.
- Abu Es Ebr hinE tari, *Masālek al-mamālek*, tr. Mo ammd b. As aḏostari as *Masālek wa mamālek*, ed. Iraj Afshar, Tehran, 1968.
- Abu l-Q sm Ferdowsi, *Šāh-nāma* VI, ed. Djalal Khaleghi-Motlagh and Mahmud Omidshar, New York, 2005.
- Richard N. Frye, Iran under the Sasanians, in *The Cambridge History of Iran* III/1, Cambridge, 1983, pp. 116-80.
- Nnina Garasouan, The Marzpanate (428-652), in Richard G. Hovannisian, ed., *Armenian People from Ancient to Modern Times*, New York, 2004, pp. 95-116.
- Geoffrey Greatrex, The Two Fifth-Century Wars Between Rome and Persia, *Florilegium* 12, 1993, pp. 1-14.
- Geoffrey Greatrex and Samuel N. C. Lieu, *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars, Part II, AD 363-630: A Narrative Sourcebook*, London and New York, 2002.

- Rika Gyselen, *Great-Commander (vuzurg-faramadār) and Court Counsellor (dar-andarzbed) in the Sasanian Empire (224-651): The Sigillographic Evidence*, Rome, 2008.
- Walter B. Henning, "The Inscription of Firuzabad," *Asia Major*, 1954, pp. 98-102; repr. in *W. B. Henning Selected Papers II*, Acta Iranica XV, Leiden, 1977, pp. 431-35.
- Hoshang Jamasp, ed., *Vendidād: Avesta Text with Pahlavi Translation and Commentary, and Glossarial Index*, Bombay, 1907.
- Eduard Khurshudian, *Die parthischen und sasanidische Verwaltungsinstitutionen: nach den literarischen und epigraphischen Quellen 3 Jh. V. Chr. – 7 Jh. N. Chr.*, Yerevan, 1998.
- Lazar Papanikolaou, *Ἱστορία τῆς Περσίας*, Venice, 1891; tr. Robert Thomson as *The History of Lazar Papanikolaou*, Atlanta, 1991.
- *Mādiyān ī hazār dādestān*, ed. and tr. Anahita G. Perikhanian as *The Book of A Thousand Judgments (A Sasanian Law-Book), Introduction, Transcription and Translation of the Pahlavi Text, Notes, Glossary and Indexes*, with Eng. version of the Russ. tr. by Nina G. Gardoïan, Costa Mesa, 1997; ed. Maria Macuch, *Das Sasanidische Rechtsbuch "Mātakdān I Hazār Dātistān"*, Wiesbaden, 1981.
- Sayyed Mohammad-Taqi Mojtahedi, *Enqilāb-e Pārs*, Tehran, 1964, pp. 99, 113-14, 119-21, 486-89.
- Theodore Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sassaniden*, Leiden, 1878, tr. Abbasgholi Saryan, *Tārikh-e Irāniān wa Kabhā dar zamān-e Sāsāniān*, Tehran, 1999.
- Anahita G. Perikhanian, "Iranian Society and Law," in *The Cambridge History of Iran III/2*, Cambridge, 1983, pp. 627-80.
- James R. Russell, *Zoroastrianism in Armenia*, Harvard Iranian Series, Cambridge, MA, 1987.
- Mansour Shaki, "A Few Unrecognized Middle Persian Terms and Phrases," in Wojciech Skalmowski and Alois van Tongerloo, eds., *Middle Iranian Studies: Proceedings of the International Symposium Organized by the Katholieke Universiteit Leuven from the 17th to the 20th of May 1982*, Leuven, 1982.
- *Abār Ketāb ta'riḥ al-Abnā' wa'l-muluk*, ed. M. J. de Goeje et al., 15 vols., Leiden, 1878-1901; tr. by various scholars as *The History of al-Abnā'*, Albany, N.Y., 1985-2007, V, tr. Clifford E. Bosworth as *The Sāsānids, The Byzantines, The Lakmids, and Yemen*, Albany, 1999.
- Theresa Urbainczyk, *Socrates of Constantinople: Historian of Church and State*, Ann Arbor, Mich., 1997.
- Louis Vanden Berghe, "Recentes découvertes de monuments sassanides dans le Fars," *Iranica Antiqua* 1, 1961, pp. 163-98.
- Stig Wikander, *Feuerpriester in Kleinasien und Iran*, Lund, 1946.
- Robert C. Zaehner, *Zurvan: A Zoroastrian Dilemma*, New York, 1972.